

توصیه های عملی برای مطالعه

مریخوام توجه کنید که چطور بافت کلی کتاب لوقا به لحاظ جغرافیایی به اورشلیم مرتبه می‌شود. ما معرفی پسر انسان رو در لوقا باب یک و 4:13 دیدیم بعد در لوقا 4:14 و 9:50 پسر انسان رو در جلیل دیدیم و در لوقا 9:51 و 13:21 پسر انسان رو در یهودیه دیدیم و در لوقا 13:22 و 19:27 پسر انسان رو در بیریجه دیدیم و بالآخره در لوقا 19:28 و 24:53 پسر انسان رو در اورشلیم دیدیم

به لحاظ جغرافیایی عیسی از جلیل به یهودیه و بعد به بیریجه و بالآخره به اورشلیم رفت جای که در اونجا مصلوب شد. این رو بخاطر داشته باشید باز هم به این خواهی پرداخت

توجه کنید که در انجیل بر بشارت به فقر تاکید شده

مردم از او پرسیدند: «پس تکلیف ما چیست؟» او پاسخ داد: «آن کسی که دو پی‌راهن دارد باید یکی از آنها را به کسی که ندارد بدهد و هر که خوراک دارد باید هم‌چنین کند.» باج‌گیران هم برای گرفتن تعمیر آمدند و از او پرسیدند: «ای استاد، ما چه باید بکنیم؟» به ایشان گفت: «بیش از آنچه مقرر شده مطالبه نکنید.» سپاهیان هم پرسیدند: «ما چه کنیم؟» به آنان گفت: «از کسی به زور پول نگیرید و تهمت ناروا نزنید و به حقوق خود قانع باشید.» لوقا 3:10 – 14

مردی از میان جمعیت به عیسی گفت: «ای استاد، به برادر من بگو و ارث خانواده را با من تقسیم کند.» عیسی جواب داد: «ای مرد، چه کسی مرا در میان شما قاضی و حاکم قرار داده است؟» بعد به مردم فرمود: «مواظب باشید. خود را از هر نوع حرص و طمع دور بدارید، زیرا زندگی واقعی را ثروت فراوان، تشکیل نمی‌دهند.» سپس برای ایشان این مَثَل را آورده گفت: «مردی زمینی داشت که محصول فراوان آورد. با خود فکر کرد که: چه کنم؟ جا ندارم که محصول خود را انبار کنم. سپس گفت: خوب، فهمیدم که چه کار کنم. انبارها را خراب می‌کنم و آنها را بزرگتر می‌سازم. غله و سایر اجناسم را جمع آوری می‌کنم. آن وقت به خود می‌گویم ای جان من، تو به فراوانی چیزهای خوب جمع کرده ای که برای سال‌های درازی کفایت می‌کند، آسوده باش، بخور و بنوش و خوش بگذران. اما خدا به او فرمود: ای احمق، همین امشب باید جانت را تسلیم کنی، پس آنچه اندوخته ای مال چه کسی خواهد بود؟ این است عاقبت مردی که برای خود ثروت می‌اندوزد ولی پیش خدا دست خالی است.» لوقا

12:13 – 21

داستان اول عاذر و مرد ثروتمند که در پائین خواهی خونده هم همین مطلب رو بیان می‌کنه داستان در لوقا 16:19 – 31 ثبت شده

توان‌گر و ایلعازر

مرد ثروتمندی بود که هم‌یشه لباسی ارغوانی و از کتان لطیف می‌پوشید و با خوش‌گذرانی فراوان زندگی می‌کرد. در جلوی در خانه او گدای زخم‌آلودی به نام ایلعازر خوابیده بود، که آرزو می‌داشت با ریزه‌های سفره آن ثروتمند شکم خود را پر کند. حتی سگ‌ها می‌آمدند و زخم‌های او را می‌لیسیدند. یک روز آن فقیری مُرد و فرشتگان او را به آغوش ابراهیم بردند. آن ثروتمند هم مرد و به خاک سپرده شد. او که در دنیای مردگان در عذاب بود، نگاه‌های به بالا کرد و از دور، ابراهیم را با ایلعازر که در کنار او بود دید. فریاد زد: ای پدر من ابراهیم، به من رحم کن. ایلعازر را بفرست تا سر انگشتش را به آب بزند و زبان مرا خنک کند چون من در این آتش عذاب می‌کشم. اما ابراهیم گفت: فرزندانم، به خاطر بی‌اور که وقتی زنده بودی همه چیزهای خوب نصیب تو و همه بدی‌ها نصیب ایلعازر شد. حالا او در اینجا آسوده است و تو در عذاب هستی. اما کار به اینجا تمام نمی‌شود شکاف عمیقی میان ما و شما قرار دارد. هر که از این طرف بخواهد به شما برسد نمی‌تواند از آن بگذرد و کسی هم نمی‌تواند از آن طرف پیش ما بی‌اید. او جواب داد: پس ای پدر، التماس می‌کنم ایلعازر را به خانه پدر من، که در آن پنج برادر دارم، بفرست تا آنان را با خبر کند، مبادا آنان هم به این محل عذاب بی‌ایند. اما ابراهیم گفت: آن‌ها موسی و انبیا را دارند، به سخنان ایشان گوش بدهند. آن مرد جواب داد: نه، ای پدر، اگر کسی از مردگان پیش ایشان برود، توبه خواهند کرد. ابراهیم در پاسخ فرمود: اگر به سخنان موسی و انبیا گوش ندهند، حتی اگر «کسی هم پس از مرگ زنده شود، باز باور نخواهند کرد»

لوقا تأکید می‌کند که عیسی بخاطر تمامی افراد جامعه آمد، همین‌طور می‌بینید که بر محبت بر زنان و بر کودکان و بخصوص بر فقیران تأکید می‌کند. در کتاب لوقا همچنین مثل ثروتمند نادان رو می‌بینید، مثل ایلعازر و مرد ثروتمند رو می‌بینید، مثل مباحث زریک رو می‌بینید در لوقا 16 باره و باره می‌بینیم که لوقا به محبت عیسی بر فقیران تأکید می‌کند. راستش ما نمی‌دونیم چه چیزی سبب شده که لوقا این‌همه بر محبت عیسی به فقیران و هشدار به ثروتمندان تأکید کند، اما فکر می‌کنم که اینجا برای ما که در این دوره زندگی می‌کنیم پیغامی هست، چون در دنیای امروزی که ما در آن زندگی می‌کنیم فقیران تحت ستم هستند و به اون‌ها به دیده تحقیر می‌نگرند. لازمه که ما محبت عیسی نسبت به فقیران رو ببینیم و همین‌طور لازمه ببینیم که به ثروتمندان سفارش کرده تا ثروتشان را برای جلال خدا استفاده کنند. این‌ها چیزهای هستند که لازمه از لوقا یاد بگیری. هرگاه که دعای در اینجا می‌بینید و یا روح القدس به چیزی اشاره می‌کند یادداشت برداری. اینجا بیش از بقیه اینجا باره و باره در مورد دعا صحبت شده

یوحنا

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان

بعد از انجیل های متی، مرقس و لوقا به انجیل متفاوتی می‌رسیم. انجیل یوحنا که توسط یوحنا نوشته شده. چیزیهای متفاوت زیادی در اینجا وجود ندارد. او در کتابش بارها و بارها به خودش به عنوان شاگردی اشاره کرده که عیسی او رو خیلی دوست دارد. آیا این روش حیرت‌انگیزی برای معرفی خودش نیست؟ من بی‌ش از هر چیزی در دنیا دوست دارم خودم رو به عنوان کسی معرفی کنم که مسیح دوستش دارد. در چه شخصی شما می‌تونید خودتون رو به این زی‌بایی معرفی کنید. مسیح نامی هست که شما در باره اش موعظه می‌کنید.

کتاب یوحنا در فاصله ای بین سال‌های 70 تا 90 بعد از میلاد نوشته شده. متی خطاب به یهودیان نوشته شده، مرقس خطاب به رومیان، لوقا رو می‌بینید که اساساً خطاب به یونانی‌ها نوشته شده و بالآخره کتاب یوحنا که خطاب به کل دنیا نوشته شده است. او به تمام جهان می‌اندیشیده. شما در کتاب یوحنا می‌بینید که بارها و بارها بر کلمه دنیا اشاره شده. یوحنا 3:16 می‌گوید زیر خدا آنقدر جهان را محبت کرد. موضوع اصلی در این کتاب این‌ه که عیسی (پسر خدا) ازلی و ابدی هست.

آیات کلیدی:

در ازل کلمه بود. کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود، از ازل کلمه با خدا بود. همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد. حیات از او به وجود آمد و آن حیات نور آدمیان بود. نور در تاریکی می‌تابد و تاریکی هرگز بر آن چیره نشده است. مردی به نام یحیی ظاهر شد که فرستاده خدا بود. او آمد تا شاهد باشد و بر آن نور شهادت دهد تا بوسیله او همه ایمان بی‌آورند. او خود آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد آن نور واقعی که همه آدمیان را نورانی می‌کند در حال آمدن بود. او در جهان بود و جهان بوسیله او آفریده شد اما جهان او را نشناخت. او به قلمرو خود آمد ولی مرتعلقانش او را قبول نکردند اما به همه کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند، که نه مانند تولدهای معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانی یک پدر جسمانی بلکه از خدا تولد یافتند. پس کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلالش را دیدیم. شکوه و جلالی شاکیستة فرزندی گانه پدر و پراز فیض و راستی.

یوحنا 1:1 - 14

زیرا خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بی‌آورد هلاک ننگردد بلکه صاحب حیات جاودان شود. یوحنا 3:16

عیسی معجزات بسیاری دیدگاری در حضور شاگردان خود انجام داد که در این کتاب نوشته نشده. ولی اینقدر نوشته شد تا شما ایمان بی‌آورد که عیسی،

مسیح و پسر خدا است و تا ایمان آورده بوسیله نام او صاحب حیات جاودان شوید.
یوحنا 20:30 – 31

آیه موضوعی یوحنا 20:30 – 31 هست که می فرماید: ولی اینقدر نوشتن شد تا شما ایمان بی آوری که عیسی، مسیح و پسر خدا است و اساساً برای این که مردم ایمان آورده بوسیله نام او صاحب حیات جاودان شوند

توصیه های عملی برای مطالعه

من شما رو تشویق می کنم که کلمات رو مطالعه کنید چون مطالعه، کلمات در کتاب یوحنا برایتان بسیاری سودمند خواهد بود. کلمات خاصی هستند که بارها و بارها بر او نه تأکید شده زیر این کلمات کلیدی خط بکشید و یا دورشان را خط بکشید، این کلمات پیغام کتاب یوحنا رو براتون خلاصه می کنه. پس وقتی دارید کتاب یوحنا رو مطالعه می کنید هر بار دور کلمات کلیدی خط بکشید مثلاً کلمه پدر 137 بار در کتاب یوحنا تکرار شده. بعد می بینیم که کلمه ایمان بی آوری یا باور کنید 98 بار تکرار شده بارها و بارها می بینیم عیسی ت عمده دهند بر تفاوت کلمه ایمان و بی ایمانی تأکید کرده. بین یوحنا 7 تا 12 گمان می کنیم بیش از 20 بار یوحنا تأکید کرده که چطور یهودیان با بی ایمانی شان مسیح رو رد کردند. ببینید مادم با همین بی ایمانی هست که مسیح رو رد می کنیم. پس ما یا به او ایمان می آریم و به او اعتقاد می کنیم، و این فعلی هست که در سراسر کتاب می بینیم (و یا می گیم این واقعت نداره، یکی از این دو حالت هست و غیر از این چیزی نیست). ما نمی تونیم حد وسط این دو رو بگیریم.

کلمات دنیا، فرستادن، محبت کردن، حیات، نور، تاریکی، حقیقت، شهادت، چلال، ابدی و ... تمام این کلمات در سراسر کتاب از اهمیت زیادی برخوردارند به هفت بار تکرار جمله عیسی که فرمود من هستم توجه کنید. «من هستم» یادتونه که این روشی بود که خدا خودش رو در عهد قدیم معرفی می کنه در خروج 3 موسی می پرسه، بگم چه کسی مرا فرستاده؟ و خدا جواب می ده بگو من هستم تو را فرستاده

پس وقتی به عیسی در کتاب یوحنا می رسیم می بینیم عیسی خودش رو به همون ترتیب معرفی می کنه که خدا در عهد قدیم خودش رو معرفی کرده

نشان حیات:

عیسی به آنها گفت: «من نان حیات هستم، هر که نزد من بیاید هرگز گرسنه نخواهد شد و هر که بمن ایمان بیاورد هرگز تشنه نخواهد گردید. یوحنا 6:35

پس یهودیان شکایت کنان به او اعتراض کردند زیرا او گفته بود: «من آن نان حیات هستم که از آسمان نازل شده است.» یوحنا 6:41

من نان حیات هستم. یوحنا 6:48

من آن نان زنده هستم که از آسمان آمده است. هر که این نان را بخورد تا ابد زنده خواهد ماند و نانی که من خواهم داد بدن خودم می‌باشد که آن را به خاطر حیات جهانیان می‌دهم.» یوحنا 6:51

نور جهان:

عیسی باز به مردم گفت: «من نور جهان هستم، کسی که از من پیروی کند در تاریکی سرگردان نخواهد شد بلکه نور حیات را خواهد داشت.» یوحنا 8:12

تا وقتی در جهان هستم نور جهانم.» یوحنا 9:5

در گوسفندان:

پس عیسی بار دیگر به آنها گفت: «یقین بدانید که من برای گوسفندان در هستم. یوحنا 10:7

من در هستم، هر که بوسیله من وارد شود نجات می‌یابد و به داخل و خارج می‌رود و علوفه پیدا می‌کند. یوحنا 10:9

شبان نی‌کو:

من شبان نی‌کو هستم، شبان نی‌کو و جان خود را برای گوسفندان فدا می‌سازد یوحنا 10:11

من شبان نی‌کو هستم، من گوسفندان خود را می‌شناسم و آنها هم مرا می‌شناسند. یوحنا 10:14

قیامت و حیات:

عیسی گفت: «من قیامت و حیات هستم. کسی که بمن ایمان بیاورد حتی اگر بمیرد، حیات خواهد داشت یوحنا 11:25

راه راستی و حیات:

عیسی به او گفت: « من راه و راستی و حیات هستم، هیچکس جز بوسیله من نزد پدر نمی آید. یوحنا 14:6

تاک حقیقی

من تاک حقیقی هستم و پدر من باغبان است یوحنا 15:1

من تاک هستم و شما شاخه های آن هستید. هر که در من بماند و من در او، میوه بسیاری آورد چون شما نمی توانید جدا از من کاری انجام دهید. یوحنا 15:5

در یوحنا 8:58 او با عده ای صحبت می کند که مخالف عیسی هستند، و می گوید قبل از اینکه ابراهیم متولد بشه من هستم. بنظر تو این جمله بحث انگیزی نیست؟ اگر امشب من در مقابل شما بایستم و بگم قبل از اینکه ابراهیم متولد بشه من وجود داشتم، شما می گویید حرف عجیبی می زنی! سعی داری بمانی بگویی؟ به هر حال مستقیماً به الهویت خودش اشاره می کند. و به همین دلیل بود که میخواستند بلافاصله بعد از او رو بکشند.

او با گفتن اینکه من نان حیات هستم، من شبان نیکی و هستم، من نور جهانم، من قیامت و حیات هستم، من راه و راستی و حیات هستم، من تاک حقیقی هستم و شما شاخه هایید، بارها و بارها قصد داشت به خدا بودن خودش در جسم اشاره کند. یوحنا تجسم یا جسم پوشیدن عیسی رو از همون ابتدا بطور برجسته نشون می ده. در ابتدا کلمه بود، کلمه خدا بود. یوحنا از هفت نشانه متفاوت استفاده می کند تا خدا بودن عیسی رو نشون بده. یوحنا عمداً تمامی این معجزات رو مطرح می کند تا خدا بودن مسیح رو نشون بده.

تبدیل آب به شراب

دو روز بعد، در قانای جلیل جشن عروسی بر پا بود و مادر عیسی در آنجا حضور داشت. عیسی و شاگردانش نیز به عروسی دعوت شده بودند. وقتی شراب تمام شد مادر عیسی به او گفت: « آنها دیگه شراب ندارند.» عیسی پاسخ داد: « این به من مربوط است یا به تو؟ وقت من هنوز نرسیده است.» مادرش به نوکران گفت: « هر چه به شما بگوید انجام دهید.» در آنجا شش خمره سنگی وجود داشت که هر یک در حدود هشتاد لیتر گنجایش داشت و برای انجام مراسم تطهیریه بود به کار می رفت. عیسی به نوکران گفت: « خمره ها را از آب پر کنید» آنها را لبالب پر کردند. آنگاه عیسی گفت: « اکنون کمی از آنرا نزد رئیس مجلس ببری.» و آنها چنین کردند. رئیس مجلس که نمی دانست آنرا از کجا آورده بودند، آبی را که به شراب تبدیل شده بود چشید، اما خدمتکارانی که آب را از چاه کشیده بودند از جریان

اطلاع داشتند. پس رئیس مجلس داماد را صدا کرد و به او گفت: «همه، به‌ترین شراب را اول به مهرانان می‌دهند و وقتی سرشان گرم شد آن وقت شراب پست تر را می‌آورند اما تو به‌ترین شراب را تا این ساعت نگاه داشته‌ای!» این معجزه، که در قانای جلیل انجام شد، اولین معجزه عیسی بود و او بوسیله آن جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند. یوحنا 1:2 – 11

شفا ی پسر درباری

عیسی بار دیگر به قانای جلیل جائی که آب را به شراب تبدیل کرده بود، رفت. یکی از ماموران دولت در آنجا بود که پسرش در کفرناحوم بیمار و بستری بود. وقتی شنید که عیسی از یهودیه به جلیل آمده است نزد او آمد و خواهش کرد به کفرناحوم برود و پسرش را که در آستانه مرگ بود شفا بخشد. عیسی به او گفت: «شما بدون دیدن آیات و معجزات به هیچ وجه ایمان نخواهید آورد.» آن شخص گفت: «ای آقا، پیش از آن که بچه من بمیرد بیا.» آنگاه عیسی گفت: «برو، پسرت زنده خواهد ماند.» آن مرد با ایمان به سخن عیسی بطرف منزل رفت. او هنوز به خانه نرسیده بود که نوکرانش در بین راه او را دیدند و به او مرده دادند: «پسرت زنده و تندرست است.» او پرسید: «در چه ساعتی حالش خوب شد؟» گفتند: «دیروز در ساعت یک بعد از ظهر تب او قطع شد.» پدر فهمید که این درست همان ساعتی است که عیسی به او گفته بود: «پسرت زنده خواهد ماند.» پس او و تمام اهل خانه اش ایمان آوردند. این دومین معجزه ای بود که عیسی پس از آنکه از یهودیه به جلیل آمد انجام داد. یوحنا 4:46 – 54

شفا ی مفلوج

بعد از آن عیسی برای یکی از عیده‌های یهود به اورشلیم رفت. در اورشلیم نزدیکی دروازه ای معروف به دروازه گوسفند است خری با پنج رواق وجود دارد که به زبان عبری آنرا بیت حسدا می‌گویند. در آنجا عده زیادی از بیماران، نابینایان لنگان و مفلوجان دراز کشیده [و منتظر حرکت آب بودند زیرا هر چند وقت یکبار فرشته خداوند به استخر داخل می‌شد و آب را به حرکت در می‌آورد و اولین بیماری که بعد از حرکت آب به استخر داخل می‌گردید از هر مرضی که داشت شفا می‌یافت.] در میان آنها مردی دیده می‌شد که سی و هشت سال به مرضی مبتلا بود. وقتی عیسی او را در آنجا خوابیده دید و دانست که مدت درازی است که بیمار می‌باشد، از او پرسید: «آیا می‌خواهی خوب و سالم شوی؟» آن مریض پاسخ داد: «ای آقا، وقتی آب به حرکت می‌آید کسی نیست که به من کمک کند و مرا در استخر

بی‌اندازد. تا من از جایم حرکت می‌کنم شخیص دی‌گری پیش از من به داخل می‌رود.»
عیسی به او گفت: «بلند شو، بسترت را بردار و برو.» آن مرد فوراً شفا یافت و
بسترت خود را برداشت و براه افتاد. آن روز، روز سبت بود. یوحنا 5:1 – 9

خوراک دادن به پنج هزار نفر

بعد از این عیسی به طرف دی‌گر دری‌ای چلیل که دری‌ای طبری‌ه است رفت و عده‌
زیادی، که معجزات او را در شفا دادن بی‌ماران دیده بودند، به دنبال او رفتند. آن‌گاه
عیسی به بالای کوهی رفت و با شاگردان خود در آنجا نشست. ایام عید فصح
یهودی‌ان نزدیکی بود. وقتی عیسی به اطراف نگاه کرد و عده‌ی زیادی را دید که به
طرف او می‌آیند، از فیلی‌پس پرسید: «از کجا باید نان بخریم تا این‌ها بخورند؟»
عیسی این را از روی امتحان به او گفت زیرا خود او می‌دانست چه باید بکند.
فیلی‌پس پاسخ داد: «سه هزار ریال نان هم کافی نیست که هر یک از آن‌ها کمی
بخورد.» یکی از شاگردانش به نام اندری‌اس که برادر شمعون پطرس بود به او
گفت: «پسر بچه‌ای در اینجا هست که پنج نان جو و دو ماهی دارد ولی آن برای این
عده چه می‌شود؟» عیسی گفت: «مردم را بنشانید.» در آنجا سبزه بسیار بود،
پس مردم که در حدود پنج هزار مرد بودند نشستند. آن‌گاه عیسی نان‌ها را برداشت
خدا را شکر کرد و در میان مردم که بر روی زمین نشست‌ه بودند تقسیم نمود.
ماه‌ها را نیز همین‌طور هر قدر خواستند تقسیم کرد. وقتی همه سیر شدند، به
شاگردان گفت: «خرده‌های نان را جمع کنید تا چیزی تلف نشود.» پس شاگردان
آن‌ها را جمع کردند و دوازده سبد از خرده‌های باقی مانده‌ی آن پنج نان جو پر نمودند.
وقتی مردم این معجزه‌ی عیسی را دیدند گفتند: «در حقیقت این همان پیام‌بر
موعود است که می‌بایست به جهان بیاید.» یوحنا 6:1 – 14

راه رفتن بر روی آب

در وقت غروب شاگردان به طرف دری‌ا رفتند و سوار قایق شده به آن طرف دری‌ا به
سوی کفر ناحوم حرکت کردند. هوا تاریک شده بود و عیسی هنوز پیش ایشان
برنگشته بود. باد شدیدی شروع به وزیدن کرد و دری‌ا طوفانی شد. وقتی در
حدود یک فرسنگ جلو رفتند عیسی را دیدند که بر روی آب قدم می‌زند و به طرف
قایق می‌آید. آن‌ها ترسیدند. اما عیسی به آن‌ها گفت: «من هستم، نترسید.»
مردم خواستند او را بداخل قایق بیاورند، ولی قایق بزودی به مقصد رسید

یوحنا 6:16 – 21

شفا‌ی کور مادر زاد

وقتی از محلی مری گذشت، کور مادر زادی را دید. شاگردانش از او پرسیدند: «ای استاد، به علت گناه کی بود که این مرد، نابینا بدنیا آمد؟ خود او گناه کار بود یا والدینش؟» عیسی جواب داد: «نه از گناه خودش بود و نه از والدینش بلکه تا در وجود او کارهای خدا آشکار گردد. تا وقتی روز است باید کارهای فرستنده خود را بانجام برسانیم. وقتی شب مری آید کسی نمی تواند کار کند. تا وقتی در جهان هستم نور جهانم.» وقتی این را گفت آب دهان به زمین انداخت و با آن گل ساخت و گل را به چشمان کور مالید و به او گفت: «برو و در حوض سیلوحا (عیسی فرستاده) چشمهای خود را بشوی.» پس رفت و شست و با چشمان باز برگشت یوحنا 9:1 – 7

زنده کردن ایلعازر

پس عیسی در حالی که از دل آه می کشید به سر قبر آمد. قبر غاری بود که سنگی جلوی آن گذاشته بودند. عیسی گفت: «سنگ را بردارید.» مرتا خواهر ایلعازر گفت: «خداوند، الان چهار روز از مرگ او می گذرد و متعفن شده است.» عیسی به او گفت: «آیا بتو نگفتم که اگر ایمان داشته باشی جلال خدا را خواهی دید؟» پس سنگ را از جلوی قبر برداشتند. آن گاه عیسی به آسمان نگاه کرد و گفت: «ای پدر، تو را شکر می کنم که سخن مرا شنیده ای. من می دانستم که تو همی شوی مرا می شنوی ولی به خاطر کسانی که این جا ایستاده اند این را نگفتم تا آن ها ایمان بی آورند که تو مرا فرستاده ای.» پس از این سخنان، عیسی با صدای بلند فریاد زد: «ای ایلعازر، بیرون بی!» آن مرده، در حالی که دستها و پاهایش با کفن بسته شده و صورتش با دستمالی پوشیده بود، بیرون آمد. عیسی به آن ها گفت: «او را باز کنید و بگذارید برود.» بسیراری از یهودیانی که برای دیدن مریم آمده بودند، وقتی آن چه را عیسی انجام داد مشاهده کردند، به او ایمان آوردند. یوحنا 11:38 – 45

از تون می خوام به تأکید یوحنا بر انسان بودن مسیح از نزدیکی توجه کنید ما در یوحنا 4:6 می بینیم که عیسی خسته هست در یوحنا 4:7 می بینیم که بر سر چاه تشنه هست و از زنی آب می خواد. در یوحنا 11:35 می بینیم که گریه می کند. کلام می فرماید عیسی گریست و این آیه یکی از آیات بیادماندنی در کتاب یوحنا هست. کتاب یوحنا رو در این جا به پایان می بریم و به کتاب اعمال رسولان می رسم

کتاب اعمال رسولان

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان

تا اینجا انجیل رو بررسی کردیم و حالا تصویری دیگری از وقایع تاریخی رو می بینیم که بما جنبه دیگری از داستان مسیح رو می ده که دوره گذر از زندگی مسیح به حیات کلیسا هست. این کتاب هم توسط لوقا نوشته شده و به نوعی می شه گفت که قسمت دوم انجیل لوقا هست. می تونید به اعمال 16:10 نگاه توجه کنید

به محض این‌که پولس این رؤیا را دید ما عازم مرقدونیه شدیم. زیرا شکی نداشتیم که خدا ما را خوانده بود که به ایشان نیز بشارت دهیم.

او این‌جا از ضمیر ما استفاده می‌کند و خودش رو وارد داستانش می‌کند تا ما مطمئن بشیم که او این کتاب رو نوشته. او انجیل لوقا رو با این تعریف شروع می‌کند که عیسی شروع به انجام چه کاری کرده. به اعمال 1:1 نگاه کنید این مرتن عظیمی هست. مرتونی دور این خط بکشید.

تیوفلس عزیزم، من در اولین نامه خود درباره تمام اعمال و تعالیم عیسی از ابدا تا روزی که بوسیله روح القدس دستورات لازم را به رسولان برگزیده خود داد و به آسمان برده شد به تو نوشتم.

پس این چیزی بود که عیسی شروع کرد و واضحی که مطالب بعدی که می‌خواه در باره اش صحبت کنه مربوط به ادامه کار عیسی هست. تنها مرشکل در اینجاست که از آیه 11 به بعد عیسی زمین رو ترک می‌کند. او به آسمان صعود می‌کند. زیبایی کتاب لوقا به اینه که عیسی هنوز در صحنه هست. و در کتاب اعمال توسط روح خودش هر کاری رو در کلیسا انجام می‌ده. عیسی در سراسر این کتاب فعال هست، این کاریه که او در ادامه کارهایش بر مبنای انجیل لوقا انجام می‌ده، او کارهایش را در کتاب لوقا آغاز کرد و در کتاب اعمال ادامه داد. موضوع اصلی کتاب انتشار انجیل در سراسر جهان توسط کلیسا و با قدرت روح القدس هست. نکته مهم در اینجاست که تنها عبارت در سراسر جهان و در بین همه اقوام بلکه عبارت توسط کلیسا هم هست. چیزی که ما در هفت باب نخست این کتاب می‌بینیم، پذیرفته نشدن مسیح توسط یهودیان هست که با سنگسار شدن استتفان بخاطر اعلام علنی عیسی در کنیسه به اوج خودش می‌رسه. و با چنین تصویری خاتمه پیدا می‌کند، و حالا کلام در یهودیه و سامره و بالآخره تا اقصی نقاط دنیا انتشار پیدا می‌کند. آیه کلیدی اعمال 1:8 هست که اساساً طرح کلی تمام کتاب هست.

اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام «یهودیه و سامره و توراتاده ترین نقاط عالم شاهان من خواهید بود. همی‌ن‌طور باب 2 آیات 42 تا 47 مرتن مهمی برای کلیسا هست

آن‌ان هم‌یشه وقت خود را با شنیدن تعالیم رسولان و مشارکت برادران و پاره کردن نان و دعا می‌گذرانیدند. در اثر آیات و معجزات بسیاری که توسط رسولان به عمل می‌آمد خوف الهی بر همه مس‌تولی شده بود. تمام ایمان‌داران با هم متحد و در همه چیز شریک بودند. مال و دارایی خود را می‌فروختند و به نسبت احتیاج هر کس بین خود تقسیم می‌کردند. آن‌ان هر روز در معبد بزرگ دور هم جمع می‌شدند و در خانه‌های خود نان را پاره می‌کردند و با دل‌خوشی و صمیمیت با هم غذا

می خوردند. خدا را حمد می کردند و مورد احترام همه مردم بودند و خداوند هر روز کسان را که نجات می یافتند، به جمع ایشان می افزود

توصیه های عملی برای مطالعه

ببینید که چه طور بافت کلی کتاب ما رو به لحاظ جغرافیایی از اورشلیم خارج می کنه. حالا ایدتونه که کتاب لوقا ما رو به سوی اورشلیم هدایت کرد. و حالا کتاب اعمال ما را به بیرون از اورشلیم هدایت می کنه. همه این وقایع در اورشلیم به وقوع پیوستند، مرگ عیسی، قیام او و نزول روح القدس و حالا کلام خدا از اورشلیم خارج می شه. پس شما اساساً این سه رویداد رو در فاصله کتاب لوقا و کتاب اعمال می بینید. حالا به بافت کتاب نگاه کنید: شهادت کلیسا در اورشلیم در باب های 1 تا 7 – شهادت کلیسا در یهودیه و سامره در باب های 8 تا 9 – و شهادت کلیسا در اقصای نقاط جهان در باب های 10 تا 28

در یهودیه و سامره و اقصای نقاط جهان ما در آخرین بخش کتاب می بینیم که انجیل وارد آسیا، اروپا و رم می شه. کلام در هر جای منتشر می شه

باز هم هر کجا می بینید به دعا و روح القدس اشاره شده توجه کنید و بخاطر بسپارید. به تکرار دوچیزی مهم توجه کنید. اولاً بارها و بارها و بارها بر نجات تأکید شده. نجاتی که عیسی بتوسط روح القدس عرضه می کنه

و چنان خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. « اعمال 2:21
خدا را حمد می کردند و مورد احترام همه مردم بودند و خداوند هر روز کسان را که نجات می یافتند، به جمع ایشان می افزود. اعمال 2:47

در هیچ کس دیگر، رستگاری نیست و در زیر آسمان هیچ نامی جز نام عیسی به مردم عطا نشده است تا بوسیله آن نجات یابیم. اعمال 4:12
و به عنوان سرور و نجات دهنده با سرافرازی در سمت راست خود نشانید تا فرصت توبه و آمرزش گناهان را به بنی اسرائیل عطا فرماید. اعمال 5:31
از نسل همین مرد، خدا بر طبق وعده خود عیسی را به عنوان نجات دهنده ای برای اسرائیل برانگیخت. اعمال 13:23

ای برادران که فرزند ابراهیم هستید و نیز شما ای کسان که در این جمع حضور دارید و از خدا می ترسید پیام این نجات به ما رسیده است، اعمال 13:26
زیرا خداوند چنین فرموده است: « من ترا برگزیدم که نور ملت ها و وسیله رستگاری همه جهان باشی اعمال 13:47
پاسخ دادند: « به عیسی خداوند ایمان آور که تو با اهل خانه ات نجات خواهی یافت. « اعمال 16:31

پس بدانید که این نجات الهی در اختیاری غیر یهودیان گذاشته شده است و آنها آنرا خواهند پذیرفت اعمال 28:28

حالا به گزارش پیشرفت انجیل توجه کنید. بارها و بارها می‌بینید لوقا صراحتاً گفته که انجیل به اورشلیم رفته بود، انجیل به یهودیه و سامره رفته بود، به سوریه رفته بود، به آسیای صغیر اروپا و روم رفته بود. به جاهای مختلف رفته بود و او هر بار مکث می‌کنه و می‌گه انجیل آنجا بود و به حرکت ادامه می‌داد.

انجیل در اورشلیم

پیام خدا پیوسته در حال انتشار بود و در اورشلیم تعداد پیروان بسیاری افزایش یافت و بسیاری از کاهنان نیز ایمان به مسیح را پذیرفتند. اعمال 6:7

انجیل در یهودیه و سامره

به این ترتیب کلیسا در سراسر یهودیه و جلیل و سامره آرامش یافت. در حالی که آنان در خدا ترسی و تقویت روح القدس بسر می‌بردند، کلیسا از لحاظ نیرو و تعداد رشد می‌کرد. اعمال 9:31

انجیل در سوریه

پیام خدا هر روز با تأثیر بیشتری انتشار می‌یافت. اعمال 12:24

انجیل در آسیای صغیر

و تمام می‌شهر بهشورش آمده، همه مرتفقاً به تماشای خانه تاختند و غایب و ارس ترخس را که از اهل مک ادونی‌هو همراهان پولس بودند با خود می‌کشیدند. اعمال 19:29

انجیل در روم

و به ملکو ت خدا موعظه می‌نمود و با کمال دلیری در امور عیسی مسیح خداوند بدون ممانعت تبلیغ می‌داد. اعمال 28:31

همین‌طور ملاحظه کنید که در خطابه‌های مختلف در اعمال چطور انجیل با حفظ اصالت خودش به طرق مختلف ترتیبی می‌ده که انجیل قابل درک برای اقوام مختلف باشه. به نخستین خادم مسیحی، پطرس نگاه کنید که چطور شنوندگانش رو مورد خطاب قرار می‌ده. بعد توجه کنید که او در باب‌های 3 و 4 چطور. وقتی این یهودیان جفاها رو تجربه می‌کنند اون‌ها رو مخاطب قرار می‌ده

و چون آن‌لنگش یافت به پطرس و یوحنا متمسک بود، تمام می‌قیومدر رواقی که به سلیمی می‌است، حیرت زده بشتاب کرد ایشان جمع شدند. آن‌گاه پطرس ملتفت شده، بدان جماعت خطاب کرد که "ای مردان اسرائیلی، چرا از این کار تعجب دارید و چرا بر ما چشم‌مدوخته‌اید که گویا به قوت و تقوای خود

اینش خصر را خرامان ساختی؟ خدای ابراهیمی و اسحاق و یعقوب، خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را جلالت داد که هشما تسلیم نموده، او را در حضور پیلاطس انکار کردی، هنگامی که او حکم بهره‌اندیش داد. اما شما آن قوس و عادل را منکر شده، خواستی که همردی خونریز به شما بخشیده شود. و رئیس حیات را کشتی که خدا او را از مردگان بر زانی و ما شاهد بر او هستیم. و به سبب ای مان به اسما، اسما و اینش خصر را که می بینی و می شناسی قوت بخشیده است.

بلی آنای مان که به هوس لاهوست، اینک سرا پی ش روی همه شما اینصحت کمال داده است. "و الحال ای برادران، می دانم که هشما و همچنی نحق کماشما اینرا به سبب ناشناس ایی کردی، و لی کن خدا آنرا باری را که به زبان جرمی عان بی ای خود، پیشگفت ه بود که هم سی حبا بد زحمت بی ند، همی نطور به انج امرس انی. دست و به و بازگشت کنی تا گناه انش ما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد. و عیسی مسیح را که از اول برای شما اعلام شده بود بفرستد، که می باید آسما او را پذیرد تا زمان معاد همه چی که خدا از بدو عالم به زبان جرمی عان بی ای مقدس خود، از آنجا بار نمود. زیرا موسی به اجداد گفت که خداوند خدای شما نبی مثل من، از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. کلام او را در هر چه به شما تکلم کند بشنوید؛ و هر نفسی که آن نبی را نشنود، از قوم من قطع گردد. و جرمی عان بی انی از سموئی لو آنانی که بعد از او تکلم کردند، از اینای امرا بار نمودند. شما هستی اولاد پی غم بران و آن عهده که خدا با اجداد ما بست، وقتی که به ابراهیم گفت از ذریت تو جرمی عان بی لزمی نبرکت خواهند یافت، برای شما اولاد خدا بنده خود عیسی را بر خیزانی ده، فرستاد تا شما را برکت دهد به برگردانی دن هر یکی از شما از گناه انش." اعمال 3:11 - 26

و بعد وقتی به است فان می رسید ملاحظه کنید که او شنونندگانش رو چطور مخاطب قرار می ده و در باره انجیل چی می گه و بعد پولس آتنی ها رو در باب 17 مخاطب قرار می ده:

پس پولس در وسط که وه مریخ ایستاده، گفت: "ای مردان آتنی، شما را از هر جهت بسیار دیندار یافت هام، زیرا چون سیر کرده، معابد شما را نظاره می نمودم، مذبحی یافت مکه بر آن، نام خدای ناشناخته نوشته بود. پس آنچه را شما ناشناخته می پرستی، من به شما اعلام می نمایم. خدای که جهان و آنچه در آن است آفرید، چون که او مالک آسما و زمی ناست، در هی کله ای ساخت ه شده دست ها ساکن نمی باشد و از دست مردم خدمت کرده نمی شود که گویا مرحلت اجچی زی باشد، بلکه خود

به همگان حیاتی و نفس و جسمی عجیب زها می بخشد. و هر امت انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمی ن مسکن گیند و زمانه ای معرفی و حدود مسکنه ای ایشان را مقرر فرمود تا خدا را طلب کنند که هشا اید او را تفحص کرده، بیابند، با آنکه از هیچی کی از ما دور نیست. زیرا که در او زندگی و حرکت و وجود داری مچنان که به عضی از شعرای ش ما نیز گفت هاند که از نسل او می باشی م. پس چون از نسل خدا می باشی م، نشاید گمان برد که الهوهی تشبیهت دارد به طلا یا نقره یا سنگ منقوش به صنعت یا مهارت انسان. پس خدا از زمانه ای چه الهت چشم پوشیده، الا ن تمام خلقت را در هر جا حکم می فرماید که توبه کنند. زیرا روزی را مقرر فرمود که در آن رب عمسکون را به انصاف داری خواهد نمود به آن مردی که همعی ن فرمود و هم را دلی داد به ای ن که او را از مردگان برخیزانی د. ” چون ذکر قیامت مردگان شنیدند، بعضی استهزا نمودند و بعضی گفتند: ” مرتبه دی گر در این امر از تو خواهی م شنی د. ” و همچنی ن پولس از میان ایشان بیرون رفت. لیکن چند نفر بدو پیوسته، ای مان آوردند که از جمله ای شان دی ونی سی وس آری و پاغی بود و زنی که دام رس نام داشت و بعضی دی گر با ایشان. اعمال 17:22 – 34

همه این مردان یک انجیل رو موعظه می کنند، اما روش صحبت های اونها متفاوت است. این تصویری زیبائی از مأموریت که بفهمند متوجه شوند که ما همون انجیل رو داریم که ای مان داران در کشورهای مختلف در سراسر دنیا دارند. اما روشی که ما انجیل رو با مردم در میون می ذاریم و از انجیل صحبت می کنیم روشی متفاوت از دی گر کشورها است. مردم در سراسر دنیا وقتی در مورد انجیل گفتگو می کنند به روش متفاوتی صحبت می کنند.

پس ما این رو در کتاب های لوقا به روش متفاوتی می بینیم

داستان عهد جدید اینها بودند: متی، مرقس، لوقا، یوحنا و اعمال رسولان. این کتابها شصت درصد عهد جدید رو در بر می گیرند

.. رسالات عهد جدید

حالا ما رسالات رو داریم که بما کمک می کنند داستان عهد جدید رو بهتر درک کنیم. رسالات عهد جدید یا نامه ها کتاب از 27 کتاب های عهد جدید رسالات هستند که تقریباً حدود 40% عهد 22 جدید را شامل می شوند. چرا رسالات نوشتن شدند؟ چرا رسالات اینهمه مهم هستند؟ چرا عهد جدید پر از رسالات هست؟ خوب من فکر می کنم دو دلیل اساسی داره. شماره یک: کلیسا در حال گسترش هست و داره رشد می کنه. کلیسا در

کتاب اعمال به سرعت در حال گسترش هست. و اون‌ها به روشی برای ارتباط نیازی دارند که بتونند ایمران‌داران جدید رو تعلیم بدنند. اون‌ها نیازی دارند که اطلاعاتی در مورد مسیح داشته باشند تا کلیسا ها رو توسعه بدنند. کلیسا ها در حالت تکثیر هستنند. پس اون‌ها به کلام نیازی دارند. خانم‌ها و آقایان لطفاً پیام رو همین‌جا ملاحظه کنید. لازم‌ه که ما کلام خدا رو مطالعه کنیم چون می‌خواهیم بخشی از کلیسای در حال رشد باشیم. ما می‌خواهیم بخشی از کلیسای باشیم که انجیل توسط ما به دیگران انتقال پیدا کنه. کلیسا قصد نداره که پیام انجیل در کلیسا باقی بمونه قصد این هست که پیام انجیل گسترش پیدا کنه. به این دلیل هست که این رساله‌ها به اقوام مختلف نوشته شده. کلیسا‌ها با هم مرتبط هستند و یک صمیمیتی بین کلیسا‌ها وجود داره. به این دلیل که پولس و بخش عمده‌ای از کلام در قرن‌های در مورد رسالات زنده صحبت می‌کنه و می‌گه: زندگی‌های ما زنده هستنند. بدونی که زندگی‌های ما باید رسالات زنده باشند درست مثل رسالات عهد جدید. زندگی‌های ما تصویری از شخصیت مسیح هست. کلیسا ارتباط و رابطه هست. در عهد جدید دو دسته رسالات داریم. اول رسالات پولس که از رومیان تا فلپس هست. و بعد رسالات عمومی که از عبرانیان تا یهودا هست. می‌تونید عبرانیان رو در هر دو گروه قرار بدید.

...زندگی و رسالات پولس

ما از پولس شروع می‌کنیم. پولس 13 رساله در عهد جدید نوشته. حالا اگه فکر کنید عبرانیان رو پولس نوشته، اون شامل سی‌زده رساله نمی‌شه. رسالات پولس به ترتیب از بلندترین به کوتاه‌ترین مرتب شده. 9 رساله خطاب به کلیسا‌ها نوشته شده. و چهار تا خطاب به افراد نوشته شده. حالا قبل از اینکه شروع به مطالعه نامه‌های او بکنیم. ازتون می‌خواهم به زندگی او فکر کنید. اسم اصلی پولس، سولس طرسوسی بود. او گذشته مرتضی داشت. به گذشته او فکر کنید. پولس کی هست. بعد از سه‌چهارم به این شخص فکر کنید. اولاً او از زمینه قوم یهود هست. فیلیپیان 3 این رو کاملاً تصریح کرده. قبل از این‌که او با مسیح مواجه بشه، در مورد او این مطالب رو می‌خونیم هرچند مرا در جسم منی اعتراضه است. اگر کسی دی‌گر گمان برد که در جسم مرا اعتراضه دارد، منبیشتر. روز هشتم منمختون شده و از قبیله اسرائیلی، از سبط بنی‌امین، عبرانی از عبرانیان، از جهت شریعت فریسی، از جهت غیرت جفا کننده بر کلیسا، از جهت عدالت شریعتی، بی‌عیب. فیلیپیان 3:4 - 6

این زندگی‌نامه او هست. زندگی‌نامهٔ عبرانی او عبرانی از عبرانیان هست. بعد او تحصیلات یونانی داره، خوب تحصیل کرده و شه‌روند روم هست. با در نظر گرفتن همهٔ این شرایط می‌بینید که سولس یا شائول طرسوسی چه مرد قدرتمندی در اون دوره بوده و نکتهٔ زیبا اینجاست که می‌بینیم چطور خدا دشمن کلیسا رو می‌گیره و او رو تبدیل می‌کنه به بزرگ‌ترین سخنگوی کلیسا در عهد جدید. می‌بینیم کسی که خانه به خانه دنبال اعضا کلیسا میرفت و به اون‌ها آزار میداد، کسی که هنگام سنگسار شدن استی‌فان حضور داشته و تماشاش می‌کرده، تبدیل می‌شه به کسی که حدود یک سوم عهد جدید رو نوشته. او بعد از لوقا دومین نفر هست. آشکاره که او کتاب‌های بیش‌تری نوشته اما به لحاظ حجم نوشته‌ها بعد از لوقا قرار گرفته. تمامی بخش آخر کتاب اعمال مربوط به پولس هست. فیض خدا ما رو از جایی که هستیم برمی‌گیره و به جایی می‌بره که حتی نمی‌تونستیم تصورش رو هم بکنیم. پولس هرگز نمی‌تونست چنین چیزی رو تصور کنه. و خدا روش‌کار می‌کنیم بخاطر فیضش که ما رو از جایی که هستیم بلند می‌کنه و به جاهایی می‌بره که حتی در گذشته نمی‌تونستیم تصورش رو بکنیم. همهٔ این‌ها سرگذشت مردی بنام پولس. خدا گذشتهٔ ما رو حتی قسمت‌هایی که شریک از اون‌ها قصد بدی داشته می‌گیره و تبدیل به نیکی می‌کنه. آیا این حقیقت بزرگی نیست؟ خوب او در حدود سال‌های 31 تا 33 بعد از میلاد با مسیح مواجه شد. حدود سال 31 تا 33 زمانی بود که او به مسیح ایمان آورد. حالا می‌خوام به خدمات پولس فکر کنیم. او پانزده سال بعد از ایمانش شروع به خدمت نکرد. ما تقریباً این رو می‌دونیم که او بلافاصله بعد از این‌که به مسیح ایمان آورد شروع به موعظهٔ انجیل کرد او هرچا که می‌رفت کلام خدا را با مردم در می‌ون می‌گذاشت و شروع کرد به پیوستن به جمع ایمان‌داران و در ابتدا ایمان‌داران عصبی بودند. بی‌ایندی کمی منصف باشم و کلیساهای اولیه رو در این مورد به این خاطر ملامت نکنیم. اگه شما هم بودید عصبی می‌شدید. تصور بکنید، او مردی که هفتهٔ گذشته در خانهٔ شما بوده و سعی می‌کرده شما رو دست‌گیر کنه، و حالا اعلام می‌کنه که پیرو عیسی مسیح هست. خوب حدود پانزده سال گذشته و حالا پولس اعتبار باورن‌کردنی ای کسب کرده. طی اون سال‌ها او در ایمانش رشد کرده عهد قدیم رو خونده و ارتباط اون رو با مسیح می‌دونه. ما اطلاعات زیادی در مورد اون پانزده سال نداریم. اما می‌تونید فقط تصور کنید که چه سفری برای این مرد در این پانزده سال باید بوده باشه که همهٔ سوابق عبرانی او به زیبایی عیسی مسیح ختم شد عجب بازتاب حیرت‌انگیزی از فیض خدا. بعد پانزده

سال گذشته و او به اولین سفر خدمتی خودش می‌ره. اگه کتاب راهنمای مطالعه کتاب مقدس داشته باشی در صفحات 13 و 14 نقشه‌های خواهی دید که نقشه سفرهای مختلف رو دید. می‌خوام خیلی گزرا این سفرهای خدمتی پولس رو از نظر بگ‌زونی و به سرعت رد بشی. پانزده سال از مسیحی شدنش گذشته بود و حالا در شهر انطاکیه بود. انطاکیه در سمت چپ نقشه هست. انطاکیه تا مدتها مرکز کارهای خدمتی پولس بود. کلیسای انطاکیه از پولس پشتیبانی می‌کرد و او رو تشویق می‌کرد و ایمن او رو تقویت می‌کرد. و اونیز مرتقلاً ایمن اوها رو تقویت می‌کرد. اعمال باب 11 کلیسای شهر انطاکیه را برای ما شرح می‌ده. وقتی به اعمال رسولان 13:1 - 4 می‌رسی می‌بینی که کلیسای انطاکیه بر پولس و برنابا دست می‌ذاره و اونها رو به. مأموریت اعزام می‌کنه. و اونها اولین سفر خدمتی خودشون رو آغاز می‌کنند و در کلیسای که در انطاکیه بود، انبیا و معلم چند بودند: برنابا و شمعون ملقب به نیچر و لوکیوس قیروانی و مناحم برادر رضاعی یودیستی تراخ و سولس. چون ایشان در عبادت خدا و روزه‌م‌شغول می‌بودند، روح‌القدس گفت: "برنابا و سولس را برای من جدا سازی از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خوانده ام." آنگاه روزه گرفته و دعا کرده و دسته‌ها بر ایشان گذاشته، روانه نمودند. پس ایشان از چانبرو القدس فرستاده شده، به سلوکی رفتند و از آنجا از راه دریای به قپرس آمدند. اعمال 13:1 - 4

این سفر حدوداً 1400 میل بود. اولین چائی که اونها رفتند قبرس بود که در واقع شهر زادگاه برنابا بود. پس اونها به قبرس رفتند، جای که برایشون غریبه نبود و با شهر آشنایی داشتند و همه جا رو می‌شناختند. اونها از قبرس شروع کردند و به سمت شمال به مناطقی رفتند که کاملاً با اونها آشنا بودند. اونها در جاده‌های بازرگانی تردد می‌کردند. اونها بیشتر به شهرهای اصلی و بزرگ می‌رفتند. اونها زیاد به دهکده‌ها نمی‌رفتند. و اکثراً به شهرهای بزرگ می‌رفتند. البته من نمی‌گم که این یکی قاعده هست که ما نباید به دهکده‌ها و مناطق روستائی برویم. اما معتقدم که ما عمیقاً نیازی داریم ببینیم که پولس در مناطق شهری بزرگ در کشورها چی کار کرده. یعنی جاهای مثل چائی که ما زندگی می‌کنیم. ما هم لازم که بشارت مسیح رو به شهرها ببریم. در دوره‌ای که کلیسایها از شهرها دوری می‌کنند، لازم که ما شهر و نیازهای شهر به مسیح رو دریابیم. این آسون نیست. از پولس بپرسی می‌گه، رفتن به مراکز شهری دنیا آسون

نیست. اما اون چاییه که ، ما باید بشارت انجیل رو به ساکنانش بدیم . خوب توی نقشه میتونید ببینید که تقریباً حدود 1400 مایل سفر کرده . کاری که او میکرد این بود که اساساً از یک الگو استفاده میکرد که این الگو بسته به جاهای مختلف تغیری میکرد . به هر حال او وقتی وارد شهر میشد یک کنیسه پیدا میکرد و می رفت در کنیسه ها موعظه میکرد . اکثر مواقع او رو از کنیسه ها بیرون میکردند و هر بار که او رو از کنیسه بیرون میکردند در بیرون کنیسه موعظه میکرد . یکبار مردم چنان دیوانه وار به خشم آمدند که چیزه ایی به طرف او پرت میکردند . از او میخواستند که اونجا رو ترک کنه تا جای که شب هنگام مخفیانه از شهر خارج شد . این کار همیشگی او بود و از شهری به شهری میرفت و موعظه میکرد ، از کنیسه اخراج میشد و از شهر بیرونش میکردند . این زندگی پولس رسول در اولین سفر بشارتی اش بود . احتمالاً در طی این دوره از سفرش بود که او رساله غلاطیان رو نوشت . و نتیجه اش هم عالی بود بعد میبینید که او به انطاکیه برمیگرده و ما میبینیم که در طی این دوره بسیاری از غریبه و دینان به مسیح ایمان می آوردند و پولس رسول غریبه و دینان بود . خوب بعد از این هست که میبینیم انشعاب های در کلیسا ، کلیساهای اصلی یهودیان پیش میاد حالا غریبه و دینان به مسیح ایمان میارند و یهودیان شروع میکنند به بحث سر این که چطور غریبه و دینان میتونند بخشی از قوم خدا بشند . اونها شروع به وضع قوانین شریعتی میکنند و میگویند اگر میخواهید بخشی از قوم خدا بشید باید این کار رو و اون کار رو بکنید مثلاً ختنه بشوید . و این منجر به تشکیلی گردهم آئی اورشلیم در حدود سال 49 بعد از میلاد میشه میتونید یک جایادداشت کنید که اعمال رسولان 15 مقارن با برگزاری کنفرانس لیم بوده . اونها در اعمال رسولان

اورش

By David Platt. © David Platt & Radical.

13 به اولین سفر بشارتی اعزام شدند و بعد از پایان اعمال 14 باز گشتند و بعد در اعمال 15 شما نشست اورشلیم رو دارید که موضوع مذاکرات پیرامون اختلافات بین یهودیان و غریبه و دینان بود

مچوز رسمی

شما مجاز هستید و ما تشویق میکنیم که این مطالب را تکثیر و توزیع نمائید . یادآوری میکنم که هیچ گونه تغیری در محتوی این مطالب مجاز نیست . لطفاً در پایان نسخه های تکثیر شده این عبارت را قید نمائید

Website: Radical.net